

سخنگوی دولت در پاسخ به «شرق» درباره مسئولیت بازگشت گشت‌های ارشاد به خیابان‌ها

دولت مسئول اجرای قوانین است و قطعا به تکلیف خود عمل خواهد کرد

شرق: علی بهادری جهرمی، سخنگوی دولت، در نشست خبری روز گذشته به سؤال «شرق» درباره ماده ۷۵ برنامه هفتم توسعه که درباره ورود دولت به حریم شخصی افراد است و الزام به وزارت ارشاد برای ایجاد سامانه رصد و سطح معنویت، اخلاق و سبک زندگی مردم پاسخ نداد و گفت: «دراین باره حضور ذهن ندارم.»

صفحه ۲

سرمقاله

سیاست پنجره‌های عایق



کامبیز نوروزی

حقوق دان

۱- کاری که پنجره‌های عایق می‌کنند این است که نمی‌گذارند صداها به دو سوی پنجره منتقل شوند. هرکس هرچه از آن سوی پنجره می‌گوید، به گوش شما نمی‌رسد. اگر شما هم از این سوی پنجره چیزی بگویید، طرف مقابل در آن سو چیزی نمی‌شنود. شعر باشد یا موسیقی یا ناسزا یا کنایه و متلک یا خطابه علمی و تخصصی. زمزمه است یا فریاد... هرچه باشد صدا از این سوی پنجره عایق به آن سو منتقل نمی‌شود. چنان است که هر طرف فقط صدای خود را می‌شنود و لاغیر. هر اندازه پنجره‌های دوجداره عایق برای ساختمان‌ها خوب و مفید و آرام‌بخش است، اما در نقطه مقابل برای ساختمان سیاست و حکمرانی زیان‌بار و ویرانگر است. در وضعیت یا سیاست پنجره‌های عایق در حکمرانی، ساختمان قدرت، خود را در انواع پنجره‌های پنهان دوجداره و عایق محصور می‌کند. هیچ صدایی را از آن سوی پنجره قدرت نمی‌شنود و نمی‌تواند صدایش را هم به آن سوی پنجره قدرت برسانند. صدای آن فقط به گوش کسانی می‌رسد که در سوی خودش ایستاده است. در هر دو سوی پنجره سیاست افراد فراوانی ایستاده‌اند که چشم در چشم دوخته‌اند و به آرامی یا به فریاد حرف می‌زنند اما گفت‌وگویی شکل نمی‌گیرد. هرکس فقط با خودش یا هم‌سویش حرف می‌زند. گفت‌وگویی وجود ندارد. در حکمرانی وقتی قدرت پنجره‌هایش را ببندد و آن را با ملاط زور، دوجداره و عایق کند و نخواهد صدایی از آن سوی پنجره و بیرون دایره خودش بشنود به قول سعدی «نه گوش فهم بماند و نه هوش استفهام». اسیر خود و رفتار خود می‌شود و در خویش گرفتار می‌شود. قادر به پرسش از خود نخواهد بود. پرسش‌های تکراری‌اش را خود پاسخ‌های تکراری می‌دهد. نه پرسشی خلق می‌شود نه پاسخی. پرسش‌های ناگفته بر هم تلنبار می‌شوند. مسئله‌ها انبار و در هم‌تپیده می‌شوند. انواع مشکلات و بحران‌ها آفریده می‌شوند و کلافی سردرگم سر برمی‌آورد. در آن طرف پنجره هم اوضاع چندان بهتر نیست. اهالی آن سوی پنجره اگرچه دوست دارند پنجره باز باشد ولی وقتی با پنجره بسته عایق روبرو می‌شوند خود گوینده و شنونده خود می‌شوند و گویی که در یک تکرار محتوم بیهوده گرفتار می‌آیند. می‌شوند چیزی شبیه شخصیت سرسنگ اتوئورلیانو بوتونیا در رمان صد سال تنهایی مارکز که در گوشه‌ای از یک باغ قدیمی ماهی‌های طلایی می‌ساخت، بعد همان‌ها را که ساخته بود آب می‌کرد و دوباره می‌ساخت. اینک ما ساکنان دو سوی پنجره‌های دوجداره و عایق سیاست و قدرت شده‌ایم. چیزی شبیه دو جهان متفاوت که گویی نسبتی با هم ندارند؛ یا آنها که با ملاط پول و زور این پنجره‌ها را عایق کرده‌اند و آنها را بسته نگه داشته‌اند نمی‌خواهند این دو جهان با هم نسبتی بیابند.

۲- سیاست پنجره‌های عایق از بدترین و خطرناک‌ترین افت‌های نظم و انتظام یک سازمان اجتماعی است، وضعیتی است که در آن «حقوق» معنا و کارکردش را از دست می‌دهد. جهان حقوق و نظم و انتظامی که اصول و قواعد و مقررات قانونی می‌خواهند خلق کنند فقط ناشی از الزام‌ها و ضمانت‌های اجرائی نیست. سه چیز از اصلی‌ترین ارکان نظم حقوقی‌اند: درک نسبتاً یکنواخت و نزدیک جامعه از قوانین و معیارها، اجرای یکسان و غیرتبعیض‌آمیز مقررات، احساس نفع مشترک از نظم حاکم. اگر این سه رکن نباشند نظم و انتظام از جامعه رخت می‌بندد و می‌شود همان وضعی که گفت سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. وضعیت پنجره‌های عایق این سه رکن را مضمحل می‌کند و کم‌وبیش از بین می‌برد. ساده است! وقتی ساکنان این سویه قدرت پنجره بسته عایق نمی‌خواهند و نمی‌گذارند پنجره باز شود و صدای آن سو را نیز بشنود و گفت‌وگو در بگیرد و دو جهان دوسوی پنجره با هم همراه شوند، درک عمومی واحد از معیارها و هنجارها و قوانین شکل نمی‌گیرد. آن‌سو که پول و زور دارد کسانی را دوست‌تر دارد و شایسته امتیازات خاص و برتر می‌شمارد که در سوی خودش قرار دارند و باز هم به قول شیخ اجل «آنکه محبوب من است از همه ممتاز آید». از همین جاست که نفع مشترک مفهوم نمی‌یابد و منافع دو سو از هم فاصله می‌گیرد. دویارگی ناشی از سیاست پنجره‌های عایق ارکان نظم و انتظام جامعه را بر هم می‌زند و چیزی از آن باقی نمی‌گذارد. کافی است به آنچه می‌گذرد نگاهی شود، جناب، توم، بی‌کاری، فساد اداری، ناکارآمدی در مدیریت اجرائی، محاکمات فعالان اجتماعی و سیاسی، خشونت شدید کلامی صاحب‌منصبان، افزایش جرم و جنایت، افزایش آسیب‌های اجتماعی، تخریب محیط زیست، کمبود آب و... نمونه‌های مناسبی‌اند برای مشاهده روند ازهم‌گسختگی نظم حقوقی. در این حوزه‌ها سخن‌ها و نصایح زیادی عرضه می‌شوند برای ترسیم دویارگی و گریز از شرایط دشوار و خطرناک جاری ولی در آن سوی پنجره که پول هست و زور میل به اعتنا و شنیدن نیست آن‌قدر که گویی این دویارگی بدعایت‌را دوست‌تر دارند که نمی‌گذارد سنگ روی سنگ بند شود و مثل خوره همه‌چیز را می‌خورد. اینجاست که به زیان حافظ باید گفت: نصیحت‌گوش کن که‌این در بسی به/ از آن گوهر که در کنجینه داری.

روزنامه

چهارشنبه ۴ مرداد ۱۴۰۲ • ۸ محرم ۱۴۴۵ • ۲۶ جولای ۲۰۲۳ • سال بیستم • شماره ۴۶۱۱ • ۱۲ صفحه • ۱۵۰۰۰ تومان

در «شرق» امروز می‌خوانید: امام صادقی‌ها از دولت خواهند رفت؟، آرش میراسماعیلی برمی‌گردد؟، کسب درآمد طالبان از جریان امدادسانی و **یادداشت‌هایی از یککاووس پورایوبی، امیر عربی، ابراهیم ایوبی، باقر قائمی**

نگاهی دوباره به طرح‌های اقتصادی تهران و کاراکاس و نتایج آن که شرایط مطلوب و مشخصی را نشان نمی‌دهند

پوچ بازی در ونزوئلا

گزارش تیتریک را در صفحه ۴ بخوانید



نیش دکل‌های برق

گزارشی از آخرین جلسه شورای شهر بایتخت با تأکید اعضای شورا روی آسیب‌های جسمی ناشی از همسایگی با کابل‌های فشار قوی

می‌گوید: مدتی بود که تغییرات در سازمان بازرسی شهرداری مطرح بود، اما فکر نمی‌کردیم شب گذشته این اتفاق بیفتد؛ اما علت آن را هم نمی‌دانیم. پرویز سروری، نایب‌رئیس شورای شهر تهران، هم درباره تغییر رئیس سازمان بازرسی شهردار تهران می‌گوید: فکر می‌کنم حق هر مدیری است که مدیران خود را تغییر دهد یا جابه‌جا کند اما این تغییرات نشان از وقوع تخلفی نیست و زمانی که این مدیر در سمت دیگری در شهرداری به کار گرفته شده، نشان می‌دهد که شبهات مطرح‌شده صحت نداشته است. اما روز گذشته صحن شورای شهر تهران به بررسی مشکلات محله جوانمرد قصاب اختصاص داشت. ناصر امانی، عضو کمیسیون برنامه و بودجه شورای شهر تهران، درباره مشکلات این محله می‌گوید: چند نقطه فرسوده در محله وجود دارد که در این دوره از مدیریت شهری از طرح خارج و امکان نوسازی برای مردم فراهم شده است اما مشکل این است که وزارت میراث فرهنگی، مجوز ساخت بیش از سه طبقه را نمی‌دهد. در دوره پنجم هیچ کاری انجام نشده است.

این گزارش را در صفحه ۱۰ بخوانید

یادداشت

ثبت رسمی اسناد در محاق



شاهرخ صالحی‌کرهرودی

حقوق دان و مدرس

طرح الزام به ثبت رسمی معاملات غیرمنقول چند وقتی است که روی میز مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفته است؛ نمایندگان مجلس مصوب کرده‌اند که همه معاملات راجع به اموال غیرمنقول باید در دفتر اسناد رسمی به ثبت برسد اما فقهای شـورای نگهبان معتقدند در شرع، معامله نیازی به ثبت رسمی ندارد و رضایت طرفین کافی است. همین اختلاف باعث شده ماجرای این قانون که از سال ۹۵ در جریان رسیدگی است، هنوز به نقطه پایان نرسد. اگرچه رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر با مسئولان قضائی، تصویب نهایی این قانون را «مصلحت قطعی کشور و نظام» دانستند؛ حالا کم و بیش اخباری از تگاپوی برخی سودجویان برای انحراف این قانون و تغییر در مفاد آن در مجمع تشخیص مصلحت به گوش می‌رسد. گسترش دعاوی ناشی از معاملات ثبت‌نشده راجع به املاک حد زیادی از توان دادگستری‌ها را به خود مشغول کرده است. از دیدگاه هزینه‌ای مردم، به‌واسطه مشکلات ناشی از معاملات عادی در معرض کلاهبرداری، فروش مال غیر، تصرف عدوانی و سایر جرایم مرتبط با املاک قرار می‌گیرند و متحمل هزینه‌های زیادی می‌شوند. بسیاری از مردم، برای اثبات حق خود، مجبور به دادگاه‌ها هستند تا با اثبات مالکیت، الزام به تنظیم سند رسمی، درخواست خلع ید و تخلیه ید، بتوانند به حق خودشان دست پیدا کنند. هزینه زمانی که صرف این دعاوی می‌شود با هیچ مبلغی قابل تقویم و جبران نیست. از دیدگاه دیگر، دادگستری مدام مجبور به جذب قاضی، کارمند، توسعه فیزیکی و فنی است تا بتواند به دعاوی روزافزون مردم در این خصوص پاسخ دهد و از اطاله داریسی پیشگیری کند. این هزینه هم قابل بررسی و تقویم نیست. برای کاهش این هزینه‌ها، با دیدگاه منفعت‌طلبانه، می‌توان با توسعه سند رسمی و اعلام بی‌اعتباری معاملات عادی نسبت به املاک و اموال غیرمنقول، این پیام را به مردم رساند که جامعه توانایی پرداخت هزینه بی‌مالاتی شما را در معاملات ندارد و اگر می‌خواهید حق خود را تثبیت کنید و از عوارض بعدی آن پیشگیری کنید، چاره‌ای جز ثبت رسمی معاملات ندارید. بر همین اساس هم در ماده یک طرح مذکور، «هر معامله‌ای که موضوع آن انتقال مالکیت با انتقال حق انتفاع یا انتقال حق ارتفاق اموال غیرمنقول ثبت‌شده باشد و نیز انعقاد عقد رهن درخصوص آنها و انعقاد عقد اجاره اموال مذکور، برای مدت بیش از دو سال و هر نوع پیش‌فروش ساختمان اعم از اینکه به صورت سهمی از کل عرصه و با اعیان باشد و تعهد به انجام کلیه اعمال حقوقی مذکور، باید در دفتر اسناد رسمی به ثبت برسد.

یادداشتی از محمدرضا جوادی یگانه

بازخوانی عاشورا از منظر خطبه منا

اگر فقط نامی از امام حسین (ع) در تاریخ مانده بود، اما هیچ اطلاعی از جزئیات قیام او در دسترس نبود، مگر خطبه‌ای که دو سال قبل عاشورا در مراسم حج در منا ایراد کرده بود. آن‌گاه می‌شد همه علل و روندهای کلی حادثه کربلا را بازسازی کرد. خطبه منا، توضیح کربلا از زبان امام حسین است. و تاسف‌بار اینکه درباره عاشورا همه چیز گفته می‌شود...

صفحه ۶



پاسخ وزارت نفت به گزارش «شرق»

جلال رشیدی کوچی در گفت‌وگو با «شرق»

طبق اصل ۷۹ قانون اساسی ادامه فیلترینگ غیرقانونی است

گزارش «شبکه شرق» از موج گسترده برخورد با کسب‌وکارها و آسیب‌های آن برای شاغلین

پلمب؛ ویروسی ویران‌کننده‌تر از کرونا

«شرق» دور جدید تحرکات دیپلماتیک دوحه ومسقط را بررسی می‌کند

عمان؛ میانجی بهتر



پایان دادگاه نیلوفر حامدی، روزنامه‌نگار

در یک هفته آتی منتظر صدور حکم بدوی هستیم

یادداشت

فساد، نارضایتی و عقب‌ماندگی



محمدرضا یوسفی شیخ‌رباط

اقتصاددان و استاد دانشگاه مفید

از زمان شکل‌گیری دولت در طول تاریخ تاکنون، همواره فساد مالی دولت‌مردان یکی از مسائل اساسی بوده است. کائوتیلا یکی از کارگزاران ایالت‌های شمالی هند در بیش از دو هزار سال پیش می‌نویسد: «همان‌گونه که نمی‌توان از چشیند مزه فساد یا زهری که بر نوک زبان نشسته است چشم پوشید؛ برای کسی که با پول‌های دولت سروکار دارد، نیز ممکن نیست که حداقل مزه‌های از این ثروت نکند»؛ بنابراین چگونگی مهار یا کاهش فساد مالی نیز همواره مورد توجه بوده است.

فساد مالی معمولاً از طریق اختلاس، رانت، رشوه، قاچاق و به طور کلی هر جایی که پای پول وسط بیاید، رخ می‌دهد؛ ازاین‌رو در نظام‌های بانکی، شرکت‌های دولتی و خصوصی، بورس، گمرک و قوانین مافیایی می‌تواند رخ دهد. این تصور که فساد تنها وجهه غیرقانونی دارد، اشتباه است؛ زیرا باندهای مافیایی چنانچه در تجارب کشورهای مختلف منعکس است، با نفوذ در نهادهای قانونی به ریل‌گذاری‌هایی می‌پردازند که منافع آن به حیب گروه‌های خاص می‌رود، خوشبختانه تحلیل ابعاد فساد دولتی در دوران جدید را می‌توان در مطالعات علمی تجربی دنبال کرد. یکی از جنبه‌های آن تأثیر فساد حکومتی بر نارضایتی عمومی است. فساد مالی به دلیل آثاری که در جامعه می‌گذارد، از چشم مردم دور نمی‌ماند؛ زیرا که نتیجه آن نابرابری ناموجه و فقر گروه‌های زیادی از مردم خواهد بود. این امر موجب گستره نارضایتی عمومی و شکاف دولت ـ ملت می‌شود. هرگاه تکن‌های معیشتی و نارضایتی از سطحی بگذرد، زمینه اتفاقات بدتری فراهم شده است. بریتون در کتاب کالبدشکافی چهار انقلاب، فساد مالی در حکومت را یکی از چهار عامل مؤثر در بروز چهار انقلاب تأثیرگذار جهان یعنی روسیه، انگلستان، آمریکا و فرانسه دانسته است. نارضایتی‌ها و شورش‌های اجتماعی و... به تداوم توسعه‌نیافتگی می‌انجامد. این موضوع در سال ۱۹۹۷ در اجلاس سازمان ملل مطرح شد. در این اجلاس که بسیاری از مقامات عالی‌رتبه دولتی و بازرگانان بین‌المللی شرکت داشتند، مهم‌ترین مانع توسعه کشورهای در حال توسعه فساد اقتصادی معرفی شد و به‌همین دلیل مواجهه با فساد به‌عنوان یک مسئله اساسی در آنجا طرح شد. آرتور لوبنِس، برنده جایزه نوبل، معتقد است که تا وقتی کشورهای در حال توسعه یک یا دو برنامه برای اصلاح ساختارهای دولت، سالم‌سازی و کارآکردن آن نداشته باشند، آنها رنگ توسعه را نخواهند دید. اکنون که در دهه محرم به سر می‌بریم و یاد بزرگ آزادمرد جهان حسین بن علی بر هر کوی و برزن است، خوب است که به این پرسش اساسی توجه کنیم که چرا مردم کوفه از امام حسین برای قیام علیه حکومت یزید دعوت کردند.

ادامه در صفحه ۶

نورا حسینی، جابه‌جایی مدیران در شهرداری تهران ادامه دارد. احکام یک‌ساله در حال تمدید هستند و بیشتر مدیران در جایگاه خود ابقا و برخی نیز جابه‌جا شده‌اند. در میان این تغییرات حکم برکناری داود گودرزی، رئیس سازمان بازرسی شهرداری تهران که خبر آن دوشنبه‌شب منتشر شد، کمی دور از ذهن به نظر می‌آمد. گودرزی یکی از مدیران نزدیک به شهردار تهران است که عملکرد او در حوزه مبارزه با فساد نیز همیشه مورد تأیید او بوده.

او در حکمی دیگر گودرزی را به‌عنوان مشاور و دستیار ویژه شهردار در حوزه خدمات شهری و امور مناطق و رئیس دبیرخانه پروژه‌های کلان شهرداری منصوب کرد. اعضای شورای شهر تهران در صحن علنی روز سه‌شنبه واکنشی به این تغییرات نداشتند. ناصر امانی، عضو شورای شهر تهران،

یادداشت

انسانی وارسته در کسوت قاضی



امیرحسین پورسینا

قاضی بازنشسته

جناب آقای مرتضوی، رئیس دیوان عالی کشور را بیش از ۳۵ سال است که می‌شناسم. حق‌مداری، ساده‌زیستی، همت بلند در مسیر احقاق حقوق مردم، بی‌الایش‌بودن، گوشه‌بودن مسیر توده مردم به سوی او، سعه صدر در شنیدن حرف بندگان بی‌پناه خدا و ریاستیزی از صفات برجسته ایشان بوده و هست بدون ذره‌ای تغییر در این دوره که بس شگفت‌آور است. او که از کشفیات آیت الحق، حجاج آقا مروی، بوده و هر دو یاران یکدیگر در مسیر سنکلاخ برپاداشتن عدالت، پس از شهید بهشتی از زمره رؤسای دیوان عالی کشور است که به این کرسی آبرو بخشید و آبروی آن را راجع نهاد، به‌رغم آنکه اغلب هم لباس‌های او با همین سن‌وسال چروکی بر صورت نداشته و سرحال و کیفور هستند این مرد مردم؛ وجدودش از غم آنان رنجور و جسم و جانش آکنده از درد و رنج است، مصداق گفتار جد بزرگوارش در وصف متقین.

در دوران خدمت هرگز از حق تا آنجا که دانست و به آن رسید، زاویه نگرفت و با پرداخت هر بهایی آن را به پا داشت. خیر کناره‌گیری احتمالی و بسا قطعی ایشان از سمت خود، من را شگفت‌زده نکرد، بلکه دوامش تاکنون برایم نشان از استواری وی در عهدهی که با خدایش بسته بود، داشت و تحسین‌برانگیز شد. تا آنجا که قیدوبندهای آشکار و پنهان او را محدود نکرده بود، در اجرای عدالت بدون درنظرگرفتن ملاحظات سیاسی، مردانه ایستاد. شایسته است کسانی که با ایشان از نزدیک کار کرده‌اند در این زمینه و در صورت صلاحدید با ذکر مصادیق بگویند و بنویسند تا مردم ما بدانند عناصر شریف و پاک‌دل در دستگاه قضائی هستند و سر بر آستان عدالت به تکریم می‌سایند. امید آن نمی‌رود که عزم ایشان به ترک خدمت ارادی بوده باشد، همین که تاکنون تحمل شده بسی مایه امید است!

گرچه آقای مرتضوی در سمت فعلی تحمل می‌شد ولی ارزش افزوده بسیاری برای این قوه به ارمغان آورد. افسوس از بزرگانی که چنانچه شرایط اجباب می‌کرد در قوه قضائیه می‌ماندند، چه آبرویی برای آن و چه گشودگی روزه‌های امید برای مردم که با خود به همراه نمی‌آوردند همچون استاد بی‌دلمان حضرت حاج آقا علیرضا امینی...

اگر بزرگان عنایتی بر خواسته مردم مشروطه‌خواه می‌کردند، عدلیه را با ستون‌هایی از امینی‌ها و مرتضوی‌مقدم‌ها می‌ساختند.

ادامه در صفحه ۶